

اگرچه بعضی از فضلاء معاصر منکر وجود شعر در ایران پیش از اسلام شده (۱) و شمس قیس رازی هم نوشته است که: «بار بدجهر می که استاد بر بطنی بود بنیاد اجون و اغانی خویشرا در مجلس خسرو پرویز که آنرا خسروانی خوانند با آنکه سر بسر مدح و آفرین خسرو است بر نثر نهاده است و هیچ از کلام منظوم در آن بکار نداشته» (۲) ولی باینحال هاراشکی نیست که در ایران باستان شعر وجود داشته و یکی از وجوه طبقات درباری پادشاهان ایران اشعراء تشکیل میداده اند چنانکه در نامهٔ تنسر، پیداد شاه طبرستان که از بقایای آثار او اائل عصر ساسانیان میباشد و آفراین موقوف، بیارسی ترجمه کرده (۳) راجع باعضاء چهار گانهٔ دربار، اردشیر پاپک، چنین آمده است: «عضو سیم - کتاب و ایشان بر طبقاتند و انواع کتاب رسائل و کتاب محاسبات و کتاب اقصیه و سجلات و شروط و کتاب سیر و اطباء و شعراء و منجمان داخل طبقات ایشانند» و بسیاری از مورخین قرون اولیهٔ اسلام دربارهٔ اردشیر نوشته اند که: او اولین کسی است که اهل کشور خود را طبقه بندی کرده است و طبقات درباریان او از سه قسمت تشکیل میشده و هر کدام در مجلس اوده ذراع از طبقه دیگر فاصله داشته اند و در مقابل طبقهٔ اول که پهلوانان و شاهزادگان بوده اند استادان موسیقی و خوش آواز هومی نشسته اند و در برابر طبقهٔ دوم که ندیمان و خاصگیان اردشیر بوده اند، طبقهٔ دوم از موسیقی دانان جای میگرته اند و در بروی طبقهٔ سوم که بذله گویان و مسخر گیان بوده اند، طبقهٔ سوم از نوازندگان چنگک و چفانه جلوس میگرده اند، (۴) و نیز بعضی از نویسندگان قرون اولیهٔ اسلام راجع بتسمیهٔ یا تکنیهٔ پادشاهان قدیم ایران نوشته اند که: «هیچکس حق نداشته است نام پادشاهان ساسانی را (از باب احترام) در شعر و خطبه و تقریظ و غیره ببرد» (۵) و از همین عبارات بطور صریح معلوم میشود که در عصر ساسانیان

(۱) کتاب «شعر العجم» (۲) المعجم فی معاییر اشعار العجم: چاپ ایران ص ۱۵۰ (۳) این نامه را «دارمستر» در Journal Asiatique بعد از مقابلهٔ دو نسخهٔ تاریخ طبرستان منتشر کرده و آنرا آقای دهخدا در مجلد سوم کتاب «امثال و حکم» از صفحهٔ ۱۶۲۱ تا ۱۶۴۰ از روی نسخهٔ منتشرهٔ دارمستر نقل کرده و جملهٔ منقولهٔ من در صفحهٔ ۱۶۲۷ کتاب امثال و حکم مسطور است (۴) به مروج الذهب: ج (۱) و غیره اخبار ملوک الفرس و سایر کتب تاریخ ذیل حالات «اردشیر» رجوع شود (۵) بتقل آقای دهخدا در «امثال و حکم» (ج ۳ ص ۱۵۸۸) از کتاب (التاج) جاخط

شعراء و موسیقی دانهای زیادی وجود داشته است که شاهنشاهان ایرانی به آنها زیاد اهمیت میداده اند و نیز معلوم میشود خوانندگانی بوده اند که مسلماً آواز آنها تابع آهنگ بوده و واضح است که معنی تابع آهنگ بودن آواز با معنی و مفهوم شعر یکی است چه ، معنی و مفهوم شعر همان تابع آهنگ و الفاظ بودن است و از این نکته تناقض گفتار شمس قیس روشن میشود زیرا که : اگر بار بدربط خود را بالحن و آغانی مینواخته است حتماً لحن و آغانی او خواه نخواه بصورت شعر در میآمده است نه بصورت نشرو بناء برای این بناء لحن و آغانی را بر نثر نهادن معنی ندارد مگر اینکه گوئیم شمس قیس و دیگران آغانی و العانیرا که تابع اوزان عروض خلیل بن احمد نبوده است شعر نمیدانسته اند و اگر مقصود این باشد گفتار آنها درست است چه محققاً وزن اشعار ایرانیان قدیم موافق با اوزان شعر کنونی نبوده و فقط وزن هجائی یا با اصطلاح اروپائیاها ، وزن سیلابی ، داشته است و آنچه هم از اشعار انزمان با بعضی از اوزان شعر کنونی مطابق افتاده است بر حسب تصادف میباشد و در زمان خسرو پرویز ، دستان اصفهانی و آواز نهارندی و چکاوک (۱) نیشابوری که همه با شعر متحد بوده اند معروف بوده و در بیدک ، خوش آواز در پاسخ خسرو که او تار چهار گانه بر ربط را برای او شرح میدهد از این موضوع سخن بمیان میآورد (۲) و با اینکه دستان اصفهانی و آواز نهارندی و چکاوک نیشابوری بوسیله اشعار خوانده میشده اند آنها هم از حیث وزن و الفاظ شباهت به اشعار کنونی ما نداشته اند و نام شعر را بعلمت عدم مطابقت وزن آنها با اوزان اشعار کنونی نمیتوان از آنها که دارای وزن هجائی بوده اند سلب کرد زیرا : اگر چنین باشد باید اشعار اروپائیان را هم که دارای اوزان هجائی هستند ، شعر ننامیم در صورتیکه همه آنها شعرند و هر کدام وزن مخصوصی دارد که با آهنگ مطلوبی خوانده میشود .

(۱) در برهان قاطع ذیل کلمه چکاوک مینویسد : چکاوک نام نواهی است از موسیقی و مرغی است بزرگی گنجشک و عربان قیره و ابوالملیح خواننده و بعضی برنده سرخاب میگویند و در ذیل لغت چکاوهم مینویسد : چفانه را نیز گویند و آن چویی باشد که آنرا بشکافند و چند جلاجل بر آن نصب کنند و سر آواز خوانان بدان اصول نگاهدارند و نام نغمه ایست از موسیقی که آنرا نواهی چکاوک هم خوانند و بناء بر آنچه که در همین کتاب (ذیل لغت دستان) مسطور است دستان هم بمعنی نغمه و سرود میباشد

(۲) برای مطالعه تمام برش و پاسخ بین خسرو و بیدک در این موضوع و موضوعات مربوط باغذیه بکتاب ، تقریر اخبار ملوک الفرس ، رجوع شود .